

واکاوی واژه «طرز کار» در اصل نود قانون اساسی

رضا محمدی کرجی^۱، علی‌رضا جعفرزاده بهاء‌آبادی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱

نوع مقاله: پژوهشی

DOI: 10.22034/qjplk.2023.1653.1519

چکیده

اصل ۹۰ قانون اساسی فریادرسی مردم نزد نمایندگان خویش را اساسی‌سازی کرده است که بر مبنای آن هر کس به طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه شکایتی داشته باشد می‌تواند آن را به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مبتنی بر این اصل، کمیسیون اصل ۹۰ به وجود آمد که موظف است به شکایات موضوع این اصل از طرز کار قوای سه‌گانه رسیدگی کند. اما ابهام و کلیت واژه «طرز کار» در اصل یادشده حد معینی از حدود شکایت موضوع این اصل، از جهت لزوم یا عدم لزوم کلی بودن و تبدیل به روش شدن رویه مورد شکایت و همچنین عمومیت یا عدم عمومیت خواننده و خواهان شکایت، به دست نمی‌دهد. از این رو، پژوهشگران در پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به دنبال تبیین واژه «طرز کار» و حدود و ثغور شکایت موضوع اصل ۹۰ بودند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، مبتنی بر ادله قانونی و حقوقی، هر امری که به نوعی حاکی از یک روش مستمر در قوای سه‌گانه باشد قابل شکایت در کمیسیون اصل ۹۰ است و در این خصوص فرقی میان امور کلی و غیر کلی نیست و همچنین خواننده و خواهان این شکایت انحصاری در عموم اداره ندارد و شکایت از فرد مسئول در یکی از قوا نیز، مادامی که بازگشت به امور روشمند دارد، امکان‌پذیر خواهد بود. به طور کلی می‌توان گفت با تکیه بر مدلول واژه «طرز کار»، هم‌زمان با احراز روشمند شدن مورد شکایت، کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی برای پیگیری شکایت صالح است و هر گونه امر فاقد این وصف از دایره شمول اصل یادشده خارج خواهد بود.

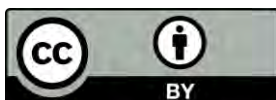
کلیدواژگان: اصل ۹۰، اطلاق، طرز کار، عموم، کمیسیون اصل ۹۰.

۱. استادیار، گروه حقوق، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران

Email: rbnmw@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران (نویسنده مسئول)

Email: ar.jafarzadeh@ut.ac.ir



مقدمه

بازرسی و نظارت بر دستگاه‌های اجرایی از خصایص انکارناپذیر «حکمرانی خوب» و «مدیریت شایسته» است و همواره نتایج قابل توجهی همچون تحقق اهداف قانون‌گذار، تضمین حقوق ملت، تعمیم عدالت، ایجاد نظام اداری کارآمد و سالم، و ... را به دنبال دارد (موسی‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۵۸). این مهم اگر از سوی شهروندان و از کانال‌های قابل اطمینان صورت پذیرد، می‌تواند کارایی یک نظام نظارتی را ارتقا بخشد. نهاد مشهور آلودزمان^۱ در دیگر کشورها نیز با همین هدف تشکیل و ترویج شده است که پیدایش آن به عصر امپراطوری عثمانی برمی‌گردد و بعدها از کشورهای اسلامی به سوئد انتقال و از واژه «آمات عثمان» به «آلودزمان» تغییر یافت (عمیدزنجانی و موسی‌زاده، ۱۳۹۰: ۳۴۳ - ۳۵۵). در طول تاریخ مفاهیم و پدیده‌هایی همچون تظلم، دادخواهی، شکوه، و ... همواره وجود داشته است و افراد بشر مقارن وجود پدیده فرمانروایی و فرمانبرداری برای احقاق حقوق خویش به نهادهای مختلف حاکم مراجعه می‌کردند که در تاریخ نیز اشکال متنوعی از رسیدگی به این اعتراضات بیان شده است (شیرین‌کام، ۱۳۹۳: ۱۳۳). اما گونه‌ای خاص از دادطلبی وجود دارد که غیر از پیگیری حق از مجاری عادی قضایی است و آن مرحله‌ای متأخر یا متمایز از مراجعه به نهاد قضایی و نرسیدن به نتیجه مطلوب است. زیرا در هر حکومتی قضاوت و داوری از شئون اصلی و ابتدایی است و در وجود آن تردیدی نیست (امین، ۱۳۸۲: ۷۵). از این رو، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۹۰ اشعار می‌دارد: «هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضاییه داشته باشد می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه یا قوه قضاییه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آن‌ها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند». ماده ۲۹ قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مأموریت اجرای این وظیفه را بر عهده کمیسیون اصل ۹۰ گذاشته است. این کمیسیون، با اطلاع از تعدی یا تظلمی که به شاکی وارد آمده، به موضوع رسیدگی سیاسی- معنوی می‌کند و از طرز کار قوه مجریه یا قوه قضاییه تحقیق و سؤال می‌کند که نتیجه آن نیز اطلاعی و غیرقضایی خواهد بود (ایمانی و قطمیری، ۱۳۸۸: ۶۰۷). برای جست‌وجوی این نهاد در حقوق اساسی دیگر کشورها می‌توان نهاد آلودزمان را جست‌وجو کرد که شباهت‌های بسیاری به این کمیسیون دارد.

اما به‌رغم اهمیت صلاحیت رسیدگی یادشده و همچنین گستره کاربرد حق به‌رسمیت‌شناخته‌شده در اصل ۹۰ قانون اساسی حدود و دایره شکایت موضوع آن تا حد

زیادی ابهام دارد که در این خصوص عدم وضوح واژه «طرز کار»، در صدر اصل، عامل اساسی پیچیدگی یادشده به شمار می‌رود. با تأمل در این واژه سؤالاتی به وجود می‌آید که پاسخ به هر یک در توسعه و تضییق دایره صلاحیت و حق یادشده مؤثر است؛ سؤالاتی از قبیل اینکه: آیا طرز کار صرفاً امور روشمند با قید استمرار را در بر می‌گیرد یا اینکه موارد فاقد این وصف نیز طرز کار محسوب می‌شود؟ آیا موارد شکایت باید واجد وصف کلیت و عمومیت باشد یا اینکه موارد جزئی و موردی نیز مشمول این اصل است؟ آیا شخص حقیقی به تنهایی طرف خوانده و خواهان این شکایت واقع می‌شود یا اینکه شکایت لزوماً باید از سوی جمعی از مردم و از عموم مجموعه یک قوه باشد؟ در پاسخ به این سؤالات، ارائه تفسیر مضیق و موسع از معنای طرز کار به ترتیب به انحصار و عدم انحصار شکایت موضوع اصل ۹۰ در امور روشمند کلی از سوی عموم و از عموم منجر خواهد شد. بنابراین، ضرورت دارد مبتنی بر ادله قانونی و حقوقی به سؤالات مطروحه پاسخ داده شود و حدود شکایت مقصود اصل ۹۰ تبیین شود. در این پژوهش سعی شده است ضمن در نظر گرفتن اهداف اصل ۹۰ و همچنین مفهوم‌شناسی طرز کار، با کاوش اسناد قانونی و ادله حقوقی، لزوم یا عدم لزوم روشمندی و کلیت طرز کار و همچنین عمومیت در طرف خواهان و خوانده شکایت موضوع اصل ۹۰ مبتنی بر معنای طرز کار بررسی و تحلیل شود و ابعاد و ادله مختلف اطلاق و عدم اطلاق اصطلاح طرز کار در موارد یادشده واری شود.

تا کنون پژوهش‌هایی در قالب مقاله یا پایان‌نامه درباره کمیسیون اصل ۹۰ به صورت کلی و عام، موردی و مطالعه تطبیقی، انجام شده است که به ترتیب و برای نمونه می‌توان اشاره کرد به پایان‌نامه کارشناسی ارشد «کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، نوشته الهه زارعی، مقاله «نظارت دیوان عدالت اداری و کمیسیون اصل نودم قانون اساسی بر مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی»، نوشته سید محمد حسینی و سنا قاسمی کهریزه، و مقاله «بررسی تطبیقی کمیسیون اصل نود و نهاد آمبودزمان (نهاد بازرسی و نظارت)»، نوشته ابراهیم موسی‌زاده. اما نوآوری پژوهش حاضر نسبت به پژوهش‌های سابق از دو جهت است: ۱. این مقاله با رویکرد متمرکز شرح و بسط واژگان و تفسیر نص قانون اساسی، مبتنی بر ادله حقوقی و قانونی، به رشته تحریر درآمده است، در حالی که آثار یادشده فاقد این ویژگی هستند و بدون واکاوی لفظی بر ظاهر اصل ۹۰ تکیه دارند و ۲. تحلیل موجود در این مقاله آثار عملی و تعیین محدوده کارکرد اصل یادشده را به دنبال خواهد داشت، برخلاف آثار دیگر که در فضای بررسی نظری یا تحلیل جزءنگر صلاحیت کمیسیون موضوع این اصل هستند.

این پژوهش در تحقیقی تحلیلی و کاربردی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای درصدد پاسخ به سؤال اصلی متصور خود است که می‌پرسد «حدود واژه طرز کار در اصل ۹۰ قانون اساسی در ساحت‌های چهارگانه یادشده چیست؟».

۱. اهداف اصل نود

قانون‌گذار اساسی در پی تأمین چند هدف به تعبیه این اصل پرداخته است که با توجه به مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی می‌توان به اهم آن‌ها اشاره کرد (اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴: ۹۲۴ - ۹۳۰). اولین هدف مطرح دستیابی حداکثری مظلومان به حقوق خود است. گاهی وسعت امور اجرایی در قوای مختلف، تعدد و تنوع قوانین، و نظایر آن در عمل موجب سوءاستفاده در ادارات و در نتیجه محرومیت مظلومان از حقوق خود می‌شود. در چنین مواقعی لازم است مجلس، که محل امن و برخاسته از خود ملت است، در جریان امور قرار گیرد (نجفی و محسنی، ۱۳۸۸: ۲۲۵). در نتیجه این فرایند، نمایندگان موظف‌اند هم‌سو با وظایف ذاتی خود در امر نظارت بر عملکرد قوای دیگر، ضمن بررسی طرز کار، در صورت ضایع شدن حق مظلومان به بازستانی حقوق از دست‌رفته آن‌ها به پا خیزند. اقدامات مجلس در این زمینه، علاوه بر استفاده از حقوق عام و کلی، مثل استیضاح و سؤال، می‌تواند از مجرای قوانین عادی مصوب که اختیاراتی را به نمایندگان جهت ایصال به نتیجه اعطا کرده است جریان یابد (هاشمی، ۱۳۹۴: ۱۶۷). از این رو نظارت سیاسی بر عملکرد مجریان قانون از وظایف ذاتی پارلمان است و حتی می‌توان گفت از لحاظ سیاسی اختیار نظارتی پارلمان بر اختیار قانون‌گذاری آن تفوق دارد (طباطبایی، ۱۳۹۶: ۱۲۱).

هدف دوم اطلاع نمایندگان از امور و اصلاح قوانین مجری است. اطلاعات مردمی از روش‌های مطلوب برای آگاه‌سازی نمایندگان جهت اصلاح قوانین بسیار سودمند است (نجفی و محسنی، ۱۳۸۸: ۲۲۵) و مضافاً باعث بهبود کار مجلس و تحریک مردم به مشارکت در امور مملکت است (هاشمی، ۱۳۹۴: ۱۶۷).

تضمین حسن اجرای قانون هدف سوم است که می‌توان از آن یاد کرد. بدین معنا که متصدیان امور و مأموران اجرای قانون در سراسر بخش‌های حکومتی می‌دانند که آحاد ملت امکان مراجعه به مجلس و استفاده از روش ذکرشده در این اصل را دارند و به همین دلیل ممکن است موضوع به نحو قانونی پیگیری شود (نجفی و محسنی، ۱۳۸۸: ۲۲۶).

چهارمین هدف اساسی در پیش‌بینی اصل ۹۰ قانون اساسی، شناسایی سازمان‌های دچار اختلال کارکردی است که نقش بسزایی در ارتقای کارآمدی نظام اداری خواهد داشت. طرح این شکایات باعث آگاهی اعضای مجلس از وضع سازمان‌های دولتی است و ایشان را در

زمینه سازمان‌های بیمار یا دارای اختلال کارکردی- خدماتی آگاه می‌سازد که خود مقدمه‌ای برای رفع نقایص ساختاری و ایجاد نظام اداری احسن است (مدنی، ۱۳۸۰: ۱۸۵). سه هدف اخیر را می‌توان هم‌سو با اصل نظارت پارلمان بر اجرای قوانین دانست که از شئون و لوازم قانون‌گذاری به شمار می‌رود. این اصل از مجاری مختلف در حقوق اساسی کشورهای همچون امریکا، فرانسه، انگلستان، بلژیک، آلمان، و ... جای‌گذاری شده است (عمیدزنجانی، ۱۳۸۴، ۱۶۶ - ۱۶۹).

۲. مفهوم‌شناسی واژه «طرز کار»

واژه «طرز» در لغت به معنای روش، نوع، سبک، شکل، قاعده، و گونه به کار رفته است (آذرنوش، ۱۳۹۸: ۶۲۰؛ عمید، ۱۳۹۰: ۵۷۴). همچنین مفهوم «اسلوب» و «طریقه‌ای در عمل» نیز در معانی این واژه ذکر شده است (دهخدا، ۱۳۶۳: ذیل واژه «طرز کار»). بنابراین طرز کار به معنی روش کار، اسلوب کار، نوع کار، و مترادف‌هایی شبیه به آن می‌آید و مقصود کلی از آن شیوه اداره امور مربوطه است. در قانون اما برای این واژه تعریفی در دست نیست و با بررسی مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی به دست می‌آید که تلقی و درک مشترک از این کلیدواژه شیوه و نوع عمل است و هنگام وضع و به‌کارگیری آن حساسیت و اختلاف برداشتی درباره مدلول و معنای دقیق آن وجود نداشته است (اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴: ۹۲۴). به نظر می‌رسد درک مشترک یادشده را بتوان چنین تعریف کرد: «کنش روشمند و مستمر صادره از قوای سه‌گانه که ارتباط و تأثیر مستقیم یا غیر مستقیم بر زندگی شهروندان دارد». این تعریف با توجه به معنای لغوی واژه طرز کار و همچنین ماده ۵ «قانون نحوه اجرای اصل نودم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» که در آن قانون‌گذار عادی واژه «روش» را مترادف و معطوف طرز کار قرار داده است^۲ و همچنین اصل استمرار در اصول حاکم بر خدمات عمومی که مدلول آن لزوم ارائه خدمات عمومی به طور مستمر و بلاانقطاع و در هر شرایطی است (موسی‌زاده، ۱۳۸۶: ۵۵) نیز قابل تأیید و اثبات به نظر می‌رسد. در ادامه، با توجه به ادله قانونی و حقوقی، تعریف یا فرضیه یادشده را در بوتۀ صحت‌سنجی قرار می‌دهیم.

۳. تحلیل قانونی و حقوقی دایره شمول اصل ۹۰

آنچه ساختار این تحلیل را تشکیل می‌دهد پرداختن به چهار موضوع در زمینه حدود صلاحیت کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی است که روشن شدن ابعاد آن به تبیین اصل ۹۰ قانون اساسی و دایره کارایی آن منتهی خواهد شد.

اولین سؤال این است که آیا کلیدواژه «طرز کار» فقط شامل آن دسته اموری می‌شود که روش و رویه محسوب می‌شوند یا اینکه امور موردی و خارج از روش و روال را نیز در بر می‌گیرد؟ مثلاً اگر شهروندی از نظام قضایی و مراحل دادرسی و به طور کلی روش رسیدگی شکایتی نداشته باشد، اما، بر این باور باشد که حکم خاص دادگاه که علیه او صادر شده ناعادلانه و غلط است و این اعتراض خود را به مجلس ببرد آیا در چنین موردی رسیدگی به شکایت در صلاحیت کمیسیون اصل ۹۰ خواهد بود یا خیر؟ به دیگر عبارت آیا صلاحیت رسیدگی کمیسیون یادشده صرفاً درباره روش است یا اینکه شامل محتوا و ماهیت و امور موردی نیز می‌شود؟

سؤال دوم این است که آیا شکایت موضوع اصل ۹۰ فقط شامل امور کلی قوای سه‌گانه است یا امور جزئی نیز مشمول حق شکایت اصل ۹۰ خواهد بود؟ به دیگر عبارت، آیا فقط از امور کلی و فراگیری همچون فساد نظام‌مند در یکی از قوا، بی‌عدالتی و تبعیض گسترده در امور مختلف، عدم شفافیت مالی مجموعه یک قوه، و ... می‌توان به کمیسیون اصل ۹۰ شکایت برد یا اینکه شکایت درباره امور جزئی و فردی هم در اصل ۹۰ مشروع شناخته شده است؟ مثلاً اگر شهروندی در اعتراض به اینکه دولت او را یک‌باره و به ناحق از پرداخت یارانه ماهیانه حذف کرده و چند ماه از این کمک محروم شده است به کمیسیون اصل ۹۰ مراجعه کند شکایت او مورد قبول واقع می‌شود یا اینکه فقط شکایتی قابلیت رسیدگی دارد که مربوط به امور کلی، مانند بی‌عدالتی فراگیر و عام‌المشمول، باشد؟ تفاوت سؤال یادشده با سؤال اول نیز روشن است. چون موضوع سؤال اول ماهیت فردی و محتوایی بود که در برابر روش و شیوه عمل قرار می‌گرفت. اما در سؤال دوم موضوع کلیت یا جزئیت مورد شکایت است و ای‌بسا کلیتی وجود داشته باشد که روش نباشد یا روشی در جریان باشد که کلیت نداشته باشد. به دیگر عبارت، میان موضوع سؤال اول و دوم رابطه عموم و خصوص من وجه برقرار است.

سؤال سوم این است که مستفاد از اصل ۹۰ قانون اساسی آیا خواننده شکایت در قوای سه‌گانه لزوماً باید عموم اداره، نهاد، و مجموعه بالادستی باشد یا اینکه شکایت از یک مسئول به منزله جزئی از کل نیز امکان‌پذیر است؟ مثلاً آیا شخص وزیر یا رئیس‌جمهور نیز می‌تواند موضوع شکایت به کمیسیون اصل ۹۰ قرار گیرد یا اینکه فقط شکایتی پذیرفته است که از مجموعه قوه مجریه به منزله یک کل باشد؟ و نهایتاً سؤال چهارم، در جهت عکس سؤال سوم، این است که آیا خواهان شکایت در پرتو اصل ۹۰ لزوماً باید عموم و گروهی از مردم باشد یا اینکه یک فرد هم به تنهایی می‌تواند شکایت خود از طرز کار مجلس، قوه مجریه، و قوه قضاییه را به کمیسیون اصل ۹۰ ببرد و نیازی به شکایت عموم نیست؟

این‌ها مجموعه سؤالاتی است که ذیل اصل ۹۰ قانون اساسی و به‌ویژه واژه «طرز کار» قابل طرح است که بسته به نوع پاسخ به هر یک از آن‌ها حدود صلاحیت کمیسیون اصل ۹۰ قابل تغییر و تعیین خواهد بود. در ادامه، مستند به ادله قانونی و حقوقی موجود، به بررسی و تحلیل هر یک از مسائل مطرح‌شده پرداخته می‌شود.

۳-۱. بررسی لزوم یا عدم لزوم «روش بودن» مورد شکایت

ادله مرتبط با موضوع فوق را می‌توان در دو دسته جای‌گذاری کرد که دسته اول عدم لزوم روش بودن و دسته دوم لزوم آن را مدلل می‌کند.

۳-۱-۱. ادله تفسیر موسع

برای ادعای تفسیری موسع از طرز کار و مستدل کردن اطلاق شکایت در اصل ۹۰، که هم شامل روش و رویه معمول و مکرر قوا شود هم اموری که مرتبط به روش نیست بلکه با عزل نظر از چگونگی روش یا حتی با فرض پذیرش بدون اشکال بودن آن با عموم خود آن روش را نیز در بر بگیرد می‌توان به دلایلی تمسک جست که برخی از آن‌ها اختصاص به سؤال اول مبنی بر لزوم یا عدم لزوم روش بودن مورد شکایت ندارد و در پاسخ به سؤال‌های دوم و سوم و چهارم، یعنی لزوم یا عدم لزوم کلیت مورد شکایت و عمومیت در طرف شاکی یا مشتکی‌عنه، نیز ذیل واژه طرز کار قابل طرح و استناد است.

اولین استدلال ناظر به اصل تفسیر موسع به نفع ملت در قانون اساسی است. مبتنی بر این اصل پذیرفته‌شده در حقوق عمومی، در موارد ابهام و اجمال قانون اساسی که ناظر به حقوق ملت است باید تفسیر به نحو موسع و به نفع ملت باشد (جوکار، ۱۳۹۰: ۶۱). چون در تفسیر قانون اگر مورد ابهام ناظر به قلمرو کیفری باشد باید از تفسیر مضیق و اگر ناظر به قلمرو مدنی باشد باید از تفسیر موسع استفاده کرد (دانش‌پژوه، ۱۳۹۲: ۲۴۰). بر این اساس اصطلاح طرز کار قوای سه‌گانه را باید به امور جزئی و موردی، که ربطی به روش ندارد، نیز تعمیم داد و با تعبیه مرجع نظارتی دیگری در نظام حقوقی کشور ضریب تضمین عدالت و احقاق حقوق را ارتقا بخشید.

دومین دلیل آن است که با توجه به اهداف پیش‌گفته در ابتکار اصل ۹۰ قانون اساسی منطقی نیست که لزوماً شکایت ناظر به امور مربوط به روش باشد، بلکه زمانی اهداف مدنظر تأمین خواهد شد که این انحصار وجود نداشته باشد. با این توضیح که اهدافی همچون دستیابی مظلومان به حقوق خود، اطلاع نمایندگان از امور و اصلاح قوانین، تضمین حسن اجرای قانون، و شناسایی سازمان‌های دچار اختلال کارکردی زمانی به نحو مطلوب محقق خواهد شد که حق شکایت در اصل یادشده محدود به امور روشمند نباشد.

دیگر استدلالی که در این زمینه می‌توان ارائه داد این است که رویه موجود کمیسیون اصل ۹۰ و به عبارتی فهم مجری قانون نیز مؤید اطلاق صلاحیت نظارت و پیگیری آن و عدم انحصار شکایت در امور مرتبط با روش است؛ چه آنکه در موارد متعدد کمیسیون یادشده خود را صالح برای بررسی و پیگیری پرونده‌های شخصی و موردی دانسته و بر اساس آن از ابزارهای قانونی خود بهره گرفته است که نمونه‌های رخ داده آن قابل دسترسی است (کدیور، ۱۳۸۳: ۹۶۰). دلایل سه‌گانه فوق در پاسخ به دیگر سؤالات مطرح نیز قابل استناد است. چون تفسیر موسع به نفع ملت، تأمین حداکثری اهداف اصل ۹۰، و همچنین رویه جاری کمیسیون جملگی مؤید عدم انحصار شکایت بردن به مجلس در کلی بودن و عموم بودن خواهان و خواننده است. بنابراین، جملگی این ادله دلالت بر این دارند که هم شکایات ناظر به روش‌ها و رفتارهای نهادینه و تکراری و هم شکایات ناظر به موارد جزئی و غیر روش و خارج از روال مشمول اطلاق طرز کار خواهند بود.

پذیرش این ادله اما با توجه به معنای صریح و واضح واژه طرز کار امکان‌پذیر نیست. زیرا دلالت واژه یادشده به نحوی است که به هیچ‌روی گنجانیدن امور شخصی و بی‌ارتباط با روش را ذیل اصل ۹۰ قانون اساسی بر نمی‌تابد. از این رو می‌توان چنین استدلال کرد که با وجود صراحت واژه طرز کار در امور روشمند و مستمر، اساساً، ابهام و تعقیدی در دلالت اصل ۹۰ درباره عدم شمول شکایات بی‌ارتباط با روش اعمال قوا وجود نخواهد داشت تا در پی آن بخواهیم با استناد به چنین استدلال‌هایی ضد آن، یعنی شکایت‌پذیر بودن امور شخصی و فاقد وصف روال و نظام، را به اثبات برسانیم.

اما توجه داشتن به این نکته حائز اهمیت است که لزوماً جای دادن امور جزئی و بی‌ارتباط با روش تأمین‌کننده منافع ملت نخواهد بود تا بتوان با ارائه تفسیری موسع از اصل ۹۰ به دنبال تحقق نفع حداکثری مردم بود. زیرا در موارد بسیاری، به گواهی عقل و تجربه، ازدیاد و انباشت شکایات موجب ناکارآمدی مرجع رسیدگی به تظلمات و به تبع آن تضییع حقوق محققان خواهد بود. با این توضیح که اگر امکان شکایت از اموری که هیچ ارتباطی با روش قوا در اعمال خود ندارد تجویز شود منجر به تلنبار شدن انبوهی از شکایات در کمیسیون اصل ۹۰ خواهد شد که به تبع آن درصد احتمال به نتیجه نرسیدن شکایات صحیح ناظر به روش، که بر زندگی آحاد مردم تأثیر مستقیم و غیر مستقیم دارد، افزایش خواهد یافت. احتمال به حاشیه رفتن چنین شکایات به‌جایی در اثر تجویز بخت‌آزمایی اشخاص درباره مشکلات و شکایات خرد و شخصی خود، که ارتباطی با روش قوای حکمرانی ندارد، نه تنها هم‌سو با تأمین منافع ملت نیست و با اصل تقدم خدمات عمومی که بر ارجحیت امتیازات حقوق عمومی تأکید دارد

(موسی‌زاده، ۱۳۸۶: ۵۶) مخالف است، بلکه، دقیقاً در جهت عکس منافع ملت، یعنی تضییع و به مخاطره انداختن مصالح آنان و ناکارآمدی اصل ۹۰، خواهد بود؛ ضمن اینکه با توجه به دلالت واژه طرز کار می‌توان با اطمینان گفت که رویه عملی کمیسیون اصل ۹۰ اگر منتهی به این باور نشود که مورد شکایت جزئی موجود حاکی از وجود نوعی روش است و به شکایت از یک روش و اسلوب بازگشت دارد، بدون شک، برخلاف اصل یادشده است و مغایر قانون اساسی تلقی می‌شود.

۳-۱-۲. ادله تفسیر مضیق

می‌توان، با توجه به معنای لغوی طرز کار و مستند به ظهور آن در روش مستمر، این‌گونه استدلال کرد که فقط اموری مبتنی به اصل ۹۰ قابل شکایت خواهند بود که ارتباط مستقیم با روش اعمال قوا داشته باشند و در نتیجه شکایت از اموری که فارغ از روش و فاقد وصف تکرار و دوام باشند امکان‌پذیر نیست. نگاهی به مشروح مذاکرات جلسه علنی ۱۳۶۵/۰۷/۱۳ نشان می‌دهد که هنگام بحث درباره «قانون نحوه اجرای اصل ۹۰» نیز چنین اختلافی بین نمایندگان وجود داشته است.^۳ آقای اسماعیل شوشتری، ممبر کمیسیون قضایی مجلس، در این جلسه اظهار می‌دارد: «اصل ۹۰ ... غیر از رسیدگی به تظلمات است ... [اصل ۹۰ یعنی] اگر کسی از طرز کار دولت شکایت دارد، از طرز کار قوه قضاییه شکایت دارد، از طرز کار دادگاه‌ها شکایت می‌کند که آقا این چه طرز رسیدگی به پرونده‌هاست که به یک پرونده دو سال طول می‌کشد تا رسیدگی کنند. در حقیقت نحوه رسیدگی است، روش و طرز کار این‌ها مربوط به مجلس است. این صریح اصل ۹۰ است ...». همچنین در این جلسه دکتر حبیبی، وزیر وقت دادگستری، تلقی خود را از این اصل چنین بیان می‌کند: «... وقتی که طرز کار گفته می‌شود [مقصود] این بوده است که بیایند یک فکر تازه‌ای را مطرح کنند و آن این است که اگر مردم یک جامعه نسبت به نحوه کار، طرز عمل، و روش کار دستگاه‌ها و مجموعاً یعنی قوه مجریه یا قوه قضاییه نظراتی داشته و دیدند که این طرز کار معین در کل دستگاه مجریه موجب اشکالاتی می‌شود و احتمالاً شکایت‌هایی را سبب می‌شود ... خوب است این نظرات را عنوان کنند ...» این مکالمات و استدلال‌ها به‌خوبی این نکته را تبیین می‌کند که این استنباط از اصل ۹۰ بین برخی نمایندگان مجلس وجود داشته است که شکایات لزوماً باید از روش و منهج قوا باشد نه از امور جزئی و فردی و فارغ از روش رایج دستگاه‌ها که فاقد وصف دوام و تکرار است. به نظر می‌رسد عطف طرز کار به واژه «روش» در ماده ۵ قانون نحوه اجرای اصل ۹۰ نیز به همین منظور صورت پذیرفته است.

کوتاه سخن اینکه ملاک اساسی در شمول اصل ۹۰ درباره یک شکایت بازگشت آن به یک روش موجود در اعمال یکی از قوای سه‌گانه است و اگر وجود چنین ملاکی در شکایت احراز شود قطعاً قابل پیگیری و بررسی از طریق ظرفیت اصل ۹۰ خواهد بود. بنابراین، ماهیت طرز کار صرفاً شامل امور روشمند است و نمی‌توان با برداشت مطلق از اصل یادشده موارد شکایت را به امور غیر مرتبط با روش نیز تسری داد.

در تکمیل استدلال یادشده گفتنی است مضاف بر تمرکز بر معنای لغوی واژه طرز کار، جهت اثبات لزوم روشمند بودن مورد شکایت، توجه به این نکته نیز ضروری است که شکایت در اصل ۹۰ مقید به طرز کار شده است و بنا بر قاعده مشهور اصولی اصل در قیود احترازی بودن آنهاست (آخوند خراسانی، ۱۳۸۶: ۲۰۶). به عبارت دیگر، مورد شکایت در این اصل موصوف است به صفت طرز کار و از آنجا که صفات جملگی قید هستند و اصل در قیود نیز احترازی بودن آنهاست اتیان این صفت دال بر خروج هر آنچه طرز کار و روش نیست از موضوع اصل یادشده است.

۲-۳. بررسی لزوم یا عدم لزوم «کلی بودن» مورد شکایت

تفسیر مضیق و موسع از طرز کار هر یک به ترتیب لزوم و عدم لزوم کلی بودن شکایت را نتیجه می‌دهد.

۱-۲-۳. ادله تفسیر موسع

همان‌طور که بیان شد برای ارائه برداشتی موسع از اصل ۹۰ و مشخصاً واژه طرز کار، به نحوی که امور جزئی و غیر کلی را نیز شامل شود، می‌توان به هر سه استدلال یادشده یعنی لزوم تفسیر موسع به نفع ملت، لزوم تأمین حداکثری اهداف تعبیه اصل ۹۰، رویه عملی کمیسیون اصل ۹۰- استناد جست. ناظر به رویه کمیسیون نیز، چنان که بیان شد، در موارد متعدد کمیسیون یادشده با استفاده از اختیارات خود به پیگیری موارد جزئی و غیر کلی پرداخته و عملاً خود را واجد این صلاحیت تشخیص داده است. از این رو امور فردی و موردی، که غیر کلی است و ناظر به مجموعه یک قوه و کلیت آن نیست، نیز قابل پیگیری از سوی کمیسیون اصل ۹۰ خواهد بود.

دلیل چهارمی که می‌توان بدان استدلال کرد توجه به اصل ۷۲ پیش‌نویس قانون اساسی است که مقرر می‌داشت: «هر کس شکایتی از چگونگی اداره کشور یا شیوه قانون‌گذاری یا سیاست قضایی داشته باشد می‌تواند به مجلس شورای ملی اعلام کند. هر گاه شکایت درباره مجلس باشد باید به او پاسخ کافی داده شود و اگر راجع به دولت یا سیاست قضایی باشد به وزارت مسئول فرستاده می‌شود تا مورد رسیدگی قرار گیرد». این متن به وضوح بر کلی بودن

امور مشمول اصل ۹۰ دلالت داشت که طی فرایند بحث و بررسی به شکل فعلی اصل ۹۰ که صراحتی در امور کلی ندارد تغییر یافت. بنابراین با توجه به اصل پذیرفته شده در تفسیر قانون اساسی، مبنی بر عدم استفاده بدون دلیل قانون‌گذار از عبارات و واژگان (جوکار، ۱۳۹۰: ۶۱)، می‌توان استدلال کرد که مراد قانون‌گذار از عبارت مصرح در قانون اساسی امور و سیاست‌های کلی نبوده است؛ وگرنه عقلانی و صحیح به نظر نمی‌رسد که عبارتی صریح در امور کلی را حذف کند و با حفظ مقصود سابق از عبارتی دوپهلوی و شک‌برانگیز استفاده کند. توجه به این نکته نیز اهمیت دارد که آموذمان در اکثر کشورهای دنیا، علاوه بر امور کلی، صلاحیت رسیدگی به امور جزئی را نیز داراست (موسی‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۷۴). مثلاً در کشور اسپانیا کمیسیون شکایات مجلس نمایندگان همه شکایات فردی و جمعی را به بازپرس پارلمانی یا سایر مراجع نظارتی ارجاع می‌دهد (زارعی، ۱۳۸۹: ۹۱ - ۹۲).^۴

۳-۲-۲. ادله تفسیر مضیق

برای اثبات اینکه مورد شکایت مطروحه در این کمیسیون لزوماً باید از امور کلی و ناظر به راهبردهای کلان قوای سه‌گانه باشد به دلایلی می‌توان استناد کرد که در ادامه تبیین و سپس تحلیل و بررسی خواهند شد.

اولین دلیل آن است که قانون اساسی در اصول ۳۴ و ۱۵۹ به‌وضوح اختیار شکایت شهروندان علیه موارد جزئی و موردی را بر عهده دادگاه‌های صالح ذیل قوه قضاییه گذاشته است و مبتنی بر اصل استقلال قوا، که صراحتاً در اصل ۵۷ ذکر شده است، اعطای اختیار رسیدگی و پیگیری شکایات جزئی و خرد به مجلس در تناقض با استقلال قوا و خلاف قانون اساسی خواهد بود. بنابراین با خلق تدبیر قانون‌گذار اساسی درباره شکایات غیر کلی با پیش‌بینی قوه قضاییه و زیرمجموعه‌هایی همچون دادگاه تجدیدنظر، دیوان عدالت اداری، و ... مشخص می‌شود طرز کاری که امکان شکایت از آن به کمیسیون اصل ۹۰ وجود دارد غیر از رسیدگی به تظلمات جزئی و موردی است.^۵

اما این استدلال نمی‌تواند تام باشد. زیرا چنان که بیان شد ماهیت رسیدگی کمیسیون اصل ۹۰ سیاسی است و به‌هیچ‌وجه نظارت و رسیدگی قضایی به شمار نمی‌رود تا پذیرفتن شکایات موردی توسط این کمیسیون دخالت در امر قضا محسوب شود، بلکه مجلس که برآمده از آرای افراد ملت است در نقش یک واسطه و وکیل آگاه از ساختار قوا، با توجه به قدرت نظارتی خود، از مسئولان و مراجع مربوطه در دیگر قوا پیگیری و متعاقباً نتایج را به موکل یا موکلان خود منتقل خواهد کرد. بنابراین کمیسیون اصل ۹۰ مجلس، با پیگیری شکایات موردی افراد، نه در اجرا نه در امر قضا دخالتی ندارد و طبیعتاً خدشه‌ای به استقلال

قوا وارد نخواهد شد و می‌توان گفت همان‌طور که رسیدگی دیوان عالی کشور به تخلفات دادگاه‌ها توسط دادگاه انتظامی قضات نقض استقلال قضایی محسوب نمی‌شود نظارت در نظر گرفته شده در اصل ۹۰ نیز ناقض استقلال دادگاه و قاضی نیست (عمیدزنجانی و موسی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۰۱). همچنین، چنان که گذشت، هرچند وجود نظام دادگستری برای تحقق عدالت و رسیدگی به شکایات و تظلمات در هر حکومتی مفروض گرفته شده است، نمی‌توان احتمال ظلم و عدم تحقق عدل و انصاف را به کلی منتفی دانست. از این رو یکی از اهداف اعطای صلاحیت نظارتی مجلس در اصل ۹۰ در نظر گرفتن آن به منزله ملجأ و پناه نهایی مظلومان و ستم‌دیدگان برشمرده شده است.

دلیل دوم این است که اگر عملکرد دستگاه‌ها موجب ورود لطمه به حقوق فردی افراد به طور مستقیم باشد، دیوان عدالت اداری و سایر محاکم صلاحیت پذیرش شکایت را خواهند داشت (ساعدوکیل و عسکری، ۱۳۹۸: ۳۹۷) و با وجود دیوان عدالت اداری و مراجع تجدیدنظر قضایی و شبه قضایی دیگر عقلاً لزومی وجود ندارد که قانون‌گذار اساسی در پی ایجاد نهاد دیگری برای رسیدگی به شکایات موردی مردم باشد.^۶ از این رو مراد از طرز کار در اصل ۹۰ امور کلی و کلانی است که امکان شکایت آن‌ها در محاکم و نهادهای دیگر وجود ندارد؛ مانند اعتراض یک شهروند به وجود فساد نظام‌مند در یکی از قوا که قابل طرح در دیوان عدالت اداری نیست.^۷ بنابراین، اساس تشکیل کمیسیون اصل ۹۰ برای پاسخگویی به شکایاتی بوده است که به نحو نوعی و کلی موجب خسارت افراد می‌شود و نه مواردی که عملکرد دستگاه‌ها موجب تضییع حقوق فردی شود (هاشمی، ۱۳۹۴: ۱۶۹).

اما این دلیل نیز قابل نقد است. زیرا اساساً آنچه از اندیشه حاکم بر اصل ۹۰ استفاده می‌شود آن است که در ابتدای امر متظلمان و شکات به مراجع ذیصلاح مراجعه می‌کنند و در صورت عدم حصول نتیجه، در قالب یک تظلم سیاسی، شکایت خود از طرز قوا را به مجلس می‌برند (هاشمی، ۱۳۹۴: ۱۶۷). بنابراین، با توجه به اهداف مطرح در پیش‌بینی این اصل و ماهیت آن، که به مجلس هویتی در قالب آخرین ملجأ و پناهگاه برای مردم بخشیده است، این‌گونه استنباط می‌شود که مراجعه به مجلس برای شکایت در مرحله‌ای متأخر از دادخواهی در مراجع قضایی و شبه قضایی متداول، همچون دیوان عدالت اداری، قرار می‌گیرد و مآلاً منافاتی بین تعبیه دادگری در مجلس با دیگر مراجع قضایی و شبه قضایی نیست. استدلال آیت‌الله مکارم شیرازی، از اعضای مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، مبنی بر سابقه داشتن شکایت موضوع اصل ۹۰ در اسلام نیز بر همین معنا تأکید دارد (اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴: ۹۲۸). ایشان طی سخنان خود

می‌گوید: «بحث در این است که ما برای احقاق حقوق مردم از دو راه می‌توانیم وارد شویم؛ یک وقت است که من از کسی شکایتی دارم و به دادگاه مراجعه می‌کنم تا آن‌ها رسیدگی کنند، ولی، گاهی هم هست که از طریق باخبر کردن نمایندگان مجلس و منعکس شدن در مجلس جوّی به وجود می‌آورد تا من را به حقم برساند، یعنی در واقع این یک نوع ضمانت اجرای معنوی برای رسیدن به حقوق است و این راه مانع از طرح شکایت در مراجع صلاحیت‌دار دیگر نیست. این در حقیقت مضمون همان مطلب است که «لا یحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم و کان الله سمیعاً علیماً». ظلمی به من شده؛ هم می‌توانم به محکمه صالحه شکایت کنم و هم می‌توانم از طریق نمایندگان مجلس به حق خود برسم. این دو راه به هیچ‌وجه با هم منافات ندارد ... در اسلام هم اگر به من ظلمی بشود می‌توانم در مسجد برخیزم و داد بزنم؛ در حالی که محکمه در مسجد نیست، من به دادگاه مراجعه می‌کنم. ولی در مسجد هم دادم را می‌زنم».

مضاف بر ادله حقوقی فوق، عبارت «رسیدگی به شکایاتی کتبی که از طرف مسئولان مربوطه بدون جواب مانده و یا جواب قانع‌کننده بدان‌ها داده نشده» در «قانون اجازه مکاتبه و تحقیق مستقیم به کمیسیون اصل ۹۰ با دستگاه‌های دولتی جهت رسیدگی به شکایات مردم» نیز دلالت آشکاری بر ماهیت متأخر شکایت در کمیسیون اصل ۹۰ دارد.^۸

فقدان ضمانت اجرای حقوقی برای تصمیمات کمیسیون اصل ۹۰ دلیل سومی است که برای لزوم کلی بودن مورد شکایت قابل طرح است. دلالت این برهان آن است که خروجی نهایی شکایت به کمیسیون ارائه پاسخ کافی به شاکی و اطلاع‌رسانی به عموم در موارد لازم است و نظارت این کمیسیون صرفاً جنبه سیاسی و معنوی دارد و اثر روانی و ارشادی بر جامعه و دستگاه‌های تحت نظارت خواهد داشت. از این رو با توجه به عدم پیش‌بینی ضمانت اجرای مؤثر برای تصمیمات کمیسیون یادشده پذیرش صلاحیت رسیدگی به شکایات فردی و موردی دشوار می‌نماید. زیرا تصور به کارگیری ابزارهایی همچون استیضاح، سؤال، علنی کردن تخلف از طریق رسانه‌ها، و ... در موارد جزئی تصویری بعید به نظر می‌رسد و نتیجه آنکه با توجه به درصد پایین احتمال احقاق حقوق جزئی و موردی از طریق شکوه به کمیسیون اصل ۹۰ و با توجه به عدم ضمانت اجرای مؤثر آن، مضاف به طبیعت کثرت مراجعات فردی و موردی در صورت قبول شکایات، عقلاً می‌توان گفت که قبول صلاحیت رسیدگی موردی و غیر کلی در عمل امری بیهوده و لغو خواهد بود؛ ضمن اینکه نظر به عدم نتیجه‌گیری شاکی از مراجع دیگر قضایی قبل از مراجعه به کمیسیون محق بودن او بسیار ضعیف به نظر می‌رسد. با این مقدمات می‌توان استنتاج کرد که قبول صلاحیت پذیرش و پیگیری شکایات جزئی چیزی جز مراجعه

جمع کثیری از افراد به کمیسیونی که توانایی پیگیری و به نتیجه رساندن همه اعتراضات و شکایات را ندارد در پی نخواهد داشت و جز ناامیدی و بدبینی و انباشته شدن حجم زیادی از شکایات در مجلس ثمره‌ای به بار نخواهد آورد. بر این اساس باید گفت که فلسفه ابداع اصل ۹۰ فقط امکان شکایت از امور کلی و راهبردهای کلان سه قوه است و امکان اطلاق و تسری آن به موارد جزئی وجود ندارد.

اما به نظر می‌رسد این استدلال برای اثبات انحصار طرز کار در امور کلی صحیح نیست. زیرا نمی‌توان ثمره تظلم سیاسی به مجلس را فقط در نتیجه بخشی مورد شکایت دید، بلکه چنان که در اهداف مطرح در اصل ۹۰ نیز بیان شد یکی از آثار مهم ارجاع شکایات به مجلس آگاهی نمایندگان از نارسایی‌ها و ناکارآمدی‌های موجود در ساختار قوا بر اساس نظارت اطلاعاتی مجلس است که خود فی نفسه مطلوب است و زمینه را برای اصلاح فراهم می‌سازد. زیرا اساساً فلسفه اصل ۹۰ اعمال نوعی نظارت اطلاعاتی از طرز کار قوای سه گانه است (راسخ، ۱۳۷۸: ۷۸). از این رو نفس مواجه شدن نمایندگان با انبوه اطلاعات مردمی موجب بهبود کار مجلس، تحرک مردم، و اقدام برای اصلاح خطاهای پرتکرار خواهد شد (هاشمی، ۱۳۹۴: ۱۶۷) که این مهم با اطلاق کلیدواژه طرز کار سازگارتر و سهل‌الوصول‌تر است. به دیگر عبارت می‌توان گفت اساساً فراهم آوردن امکان رسیدن شکایات شخصی به کمیسیون اصل ۹۰ می‌تواند، در صورت تکرار، نمایندگان را به نارسایی‌های کلان رهنمون سازد و از این جهت مفید واقع شود. صحبت رئیس وقت مجلس در جلسه علنی ۱۳۶۵/۰۷/۱۳ هنگام بحث درباره طرح نحوه اجرای اصل ۹۰ ناظر امکان پذیرش شکایات شخصی برای کشف طرز کار و رویه و نقایص کلی است.^۹ در نظام حقوقی فرانسه نیز نمایندگان برای تشخیص مسائل مبتلابه و ارتقای نظام قانونی از طرق مردمی آدرس پستی و پست الکترونیک خود را در پایگاه اینترنتی مجلس ملی و سنا لیست می‌کنند و همواره از یک روابط عمومی قوی بهره می‌برند (زارعی، ۱۳۸۴: ۲۹۱)؛ همچنان که کمیسیون‌های مختلف مجلس قانون‌گذاری مصر نیز ملزم به نشست‌های عمومی برای شناخت مسائل مورد نیاز و مبتلابه پیش از تقنین و اطلاع‌رسانی آن‌ها از طریق رسانه‌های گروهی هستند (زارعی، ۱۳۸۴: ۷۰۹).

۳-۳. بررسی لزوم یا عدم لزوم عموم در «خوانده» شکایت

عموم در طرف خوانده نیز می‌تواند با دو تفسیر موسع و مضیق از طرز کار مواجه باشد.

۳-۳-۱. ادله تفسیر موسع

علاوه بر دلایل سه گانه پیش گفته، یکی از دلایل اساسی دیگر مبنی بر امکان شکایت از عضو یا جزء یکی از قوا و عدم لزوم شکایت از مجموعه مرور صورت مشروح مذاکرات

مجلس بررسی نهایی قانون اساسی است که نشان می‌دهد موضوع امکان شکایت از عضو یا اعضای مجلس، قوه مجریه، و قوه قضاییه به مجلس از دغدغه‌ها و مقاصد اصلی قانون‌گذاران اساسی بوده است. آیت‌الله سبحانی، از اعضای این مجلس، در بخشی از نطق خود می‌گوید: «... نکته دیگر اینکه گاهی شکایت از نحوه کار مجلس است و گاهی شکایت از گروهی از نمایندگان مجلس و یا گروهی از اعضای دولت و یا گروهی از قوه قضاییه، آیا جمله‌ای که در این اصل هست، این مطلب را می‌رساند؟». نایب‌رئیس مجلس، شهید بهشتی، بلافاصله تصریح می‌کند: «فکر می‌کنم جمله رسا باشد و مطلب را برساند. به هر حال اگر پیشنهاد اصلاح عبارتی دارید مرقوم بفرمایید». این دیالوگ به خوبی مراد قانون‌گذار در امکان شکایت از عضو و فرد در ساختار قوا را تبیین می‌کند. همچنین، علت تغییر واژه «دولت» در پیش‌نویس به «قوه مجریه» در متن نهایی مصوب نیز بر همین امر دلالت دارد؛ بدین توضیح که یکی از اعضا می‌گوید: «سؤال من این بود: در مقابل 'قوه قضاییه' باید در سطر اول نوشته شود 'قوه مجریه'؛ یعنی هر کس شکایتی از مجلس و یا قوه مجریه دارد، مگر اینکه آوردن دولت در سطر اول شامل رئیس‌جمهور هم بشود. بنابراین سؤال من این است که آیا شکایت شامل رئیس‌جمهور هم می‌شود یا خیر؟» و در واکنش به این نکته شهید بهشتی اظهار می‌دارد: «اگر به جای 'دولت' بنویسیم 'قوه مجریه' شاید اشکال ایشان رفع بشود. چون ما گفته‌ایم رئیس‌جمهور رئیس قوه مجریه است.» و از این رو عبارت قوه مجریه جایگزین واژه دولت می‌شود.

سیری در قوانین عادی مرتبط با اصل ۹۰ نیز به خوبی تفسیر موسع این اصل در زمینه عمومیت شکایت از کلیت یا اعضای قوا را مدلل و مبرهن می‌سازد. استناد به قوانین عادی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران از این جهت مهم است که جملگی آن‌ها قبل از ابلاغ و اجرا به تأیید دادرسی اساسی، یعنی شورای نگهبان، می‌رسند و از آنجا که یکی از وظایف و کارکردهای اصلی دادگستری اساسی تفسیر قانون اساسی و همچنین نظارت بر انطباق مصوبات پارلمان با قانون اساسی است می‌توان گفت قوانین عادی واجد عنوان انطباق با قانون اساسی هستند و می‌توانند جهت فهم آن به کار گرفته شوند (گرچی از دندریانی، ۱۳۹۴: ۱۸؛ طاهری، ۱۳۹۵: ۱۵۸).

ماده ۶ «قانون نحوه اجرای اصل نودم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» بیان داشته: «تغییر شغل و پست در وضعیت مسئول و یا مأمور متخلف از نظر رسیدگی تأثیری نخواهد داشت.» و این بدان معناست که طرز کار کارمندان و مسئولان هر یک از قوای سه‌گانه و سازمان‌های وابسته می‌تواند مورد شکایت واقع شود. همچنین «قانون الحاق یک تبصره به ماده

واحد، مصوب ۱۳۵۹/۱۱/۰۱ مجلس شورای اسلامی، راجع به اجازه مکاتبه و تحقیق مستقیم به کمیسیون اصل ۹۰ با دستگاه‌های دولتی» اشعار می‌دارد: «مسئولان و مأموران مذکور در ماده واحد، مصوب ۱۳۵۹/۱۱/۰۱ مجلس شورای اسلامی، مکلف‌اند پاسخ کافی و مستند خود را حداکثر ظرف مدت یک ماه از تاریخ وصول کتباً به کمیسیون اصل ۹۰ اعلام دارند. تخلف از این قانون جرم محسوب و متخلف به مجازات حبس از سه ماه تا یک سال و انفصال از خدمات دولتی از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد و موضوع تخلف در مراجع صالحه قضایی با درخواست کمیسیون قابل رسیدگی است...». مذاقه در موضوع و نوع مجازات یادشده در این قانون به‌خوبی گویای این نکته است که فرد و عضوی از قوای سه‌گانه نیز به منزله جزئی از کل می‌تواند طرف خوانده شکایت در کمیسیون اصل ۹۰ واقع شود.

۳-۲. ادله تفسیر مضیق

از جمله دلایل مطرح در این تفسیر سخنان دکتر ضیائی، از اعضای مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، است که در جریان این اصل تصریح می‌کند: «در این مورد از طرز کار نمایندگان و قوه مجریه و قوه قضاییه دارند شکایت می‌کنند. شکایت برای عموم است از عموم.» (اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴: ۹۳۹). همچنین سخنان دکتر حبیبی، وزیر وقت دادگستری، در جلسه ۳۲۱ دوره دوم مجلس شورای اسلامی مؤید همین برداشت است که فرد و عضو یک قوه نمی‌تواند مدعی علیه شکایت موضوع اصل ۹۰ باشد. وی در این جلسه می‌گوید: «عنایت بفرمایید که ما یک مشکلی را در طی سال‌های گذشته داشته‌ایم که قوه مجریه با فرد فرد افراد تخلیط و اشتباه شده است. یعنی یک کارمند ساده را به عنوان قوه مجریه تلقی کرده‌اند. یک نماینده مجلس را قوه مقننه تلقی کرده‌اند. و در دستگاه قضایی الی‌ماشاءالله وقتی که یک مطلبی را به یک بازپرس یا دادیاری ارجاع شده و او مثلاً حتی خلاف مقررات و قوانین یک نظری داده است گفته‌اند مطلب را به قوه قضاییه بردیم و آنجا هم اشتباه کردند و اشکال گرفتند. در صورتی که در اصول متعدد قانون اساسی اصل ۶۰ در مورد تعریف قوه مجریه، اصل ۶۱ در مورد تعریف قوه قضاییه، و اصل ۵۸ در تعریف قوه مقننه تصریح می‌کنند که این کل و این مجموعه قوه مجریه و قوه قضاییه و قوه مقننه هستند نه یک فرد معین و نه حتی رؤسایی که در رأس این سه قوه قرار گرفته‌اند، آن قوه نیستند و تجسم و تجسد آن قوه نیستند، شورای عالی قضایی (سابق) تجسم و تجسد قوه قضاییه نیست...».

اما چنین برداشتی که مراد از طرز کار صرفاً کلیت قوا است و اعضای آن را شامل نمی‌شود بسیار بعید به نظر می‌رسد. زیرا با ادله سه‌گانه پیش‌گفته^{۱۰} مغایرت دارد. همچنین از مجموع

سخنان اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی چنین برداشت می‌شود که شمول اصطلاح «طرز کار قوای سه‌گانه» نسبت به طرز کار هر یک از قوای یادشده و طرز کار اجزا و زیرمجموعه‌های هر یک از قوای سه‌گانه با روح قانون اساسی مطابق‌تر است و تدوین‌کنندگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز با پیروی از این نظر اصل ۹۰ را تصویب کرده‌اند (بادامچی، ۱۳۷۶: ۶۹).

۳-۴. بررسی لزوم یا عدم لزوم عموم در «خواهان» شکایت

همچون مسائل پیشین، می‌توان از تفسیر مضیق و موسع طرز کار به ترتیب لزوم و عدم لزوم عموم در طرف خوانده را نتیجه گرفت.

۳-۴-۱. ادله تفسیر موسع

همان‌طور که اشاره شد همه ادله سه‌گانه پیشین قابلیت اثبات اطلاق در خواهان را دارد. اما از دیگر ادله مطرح در اثبات اینکه شکایت موضوع اصل ۹۰ محدود به شکایت عموم نیست و فرد نیز می‌تواند به‌تنهایی به مجلس مراجعه کند مفهوم مخالف عبارت ذیل اصل یادشده است که تصریح دارد: «... در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضاییه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آن‌ها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند». این بدان معناست که اگر نتیجه رسیدگی مجلس به عموم مربوط نباشد، لزومی به اطلاع عامه وجود نخواهد داشت. پس استنباط می‌شود که شکایت فرد که طبعاً ارتباطی با عموم ندارد نیز توسط این اصل به رسمیت شناخته شده است. چون اگر شکایت از طرز کار منحصر در شکایت عموم باشد، ذیل اصل بیهوده و بی‌معنا خواهد بود. نمی‌توان تصور کرد که شکایتی از سوی عموم در مجلس مطرح شود و مجلس نیز بررسی و پیگیری کند؛ اما نتیجه آن مربوط به عموم نباشد (جوکار، ۱۳۹۰: ۶۲). حاصل آنکه وفق اصل ۹۰ قانون اساسی نتیجه اقدامات مجلس پس از بررسی در موارد فردی «ارائه پاسخ کافی» و در مواردی که مربوط به عموم باشد «اطلاع عامه» است (هاشمی، ۱۳۹۴: ۱۶۸). پس شاکی می‌تواند هم فرد هم عموم باشد.

استدلال یادشده یکی از استدلال‌های ابتدایی در پاسخ به سؤال بیان‌شده است. اما در نقد آن می‌توان گفت که لزوماً عبارت «در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند» مستلزم و مثبت امکان شکایت فرد از طرز کار قوا نیست. زیرا این امکان وجود دارد که شکایتی از سوی بیش از یک فرد مطرح باشد، اما مربوط به عموم و نیاز به اطلاع عامه نباشد و بنابراین ذیل اصل به منظور خروج چنین موردی از لزوم اطلاع‌رسانی عموم مردم اضافه شده باشد نه اینکه بر گزاره «جواز طرح شکایت از سوی فرد با توجه به امکان مربوط نبودن به

عموم» دلالت کند. مثلاً ممکن است گروهی درباره مسئله‌ای از مسائل مرتبط با امنیت ملی از یکی از دستگاه‌های مربوطه در قوای سه‌گانه به کمیسیون اصل ۹۰ شکایت کنند، اما کمیسیون پس از بررسی، با توجه به ملاحظات امنیتی، نتیجه را به عموم مرتبط نداند. در چنین موردی با وجود اینکه این شکایت از سوی بیش از یک فرد بوده ارتباطی به عموم و نیاز به اطلاع عامه ندارد. بنابراین استدلال یادشده برای اثبات عدم لزوم عموم در طرف خواهان تمام نیست.

دلیل دیگر بر عدم موضوعیت عموم در شکایت از طرز کار قوای سه‌گانه در اصل ۹۰ وجوب امر به معروف و نهی از منکر بر هر مکلفی است که در عرصه حکمرانی نیز مجری و در اصل ۸ قانون اساسی وظیفه همگانی مردم در قبال دولت دانسته شده است؛ بدین معنا که نظارت بر حاکم و کارگزاران حکومت از مصادیق مهم این واجب محسوب می‌شود که اسلام آن را بر عهده تک‌تک مسلمانان نهاده است (ایزدهی، ۱۳۸۷: ۱۵۰). بنابراین، اصل ۹۰ قانون اساسی نیز از ابزارهای اجرایی وظیفه همگانی امر به معروف و نهی از منکر قلمداد می‌شود (طاهری، ۱۳۹۵: ۱۵۵) و فرد بودن یا عموم بودن امر و ناهی موضوعیت ندارد.

استدلال دیگر استناد به صدر اصل ۹۰ است که با کلمه «هر کس» شروع می‌شود و این یعنی هر شخص حقیقی یا حقوقی می‌تواند صاحب شکایت باشد (مدنی، ۱۳۷۰: ۲۷۹). مضاف بر اینکه سخن اخیر آیت‌الله مکارم شیرازی در مشروح مذاکرات این اصل، مبنی بر سابقه دینی دادخواهی فرد در مسجد، نیز در همین زمینه قابل استناد است.

مداقه در پاسخ استعلام کمیسیون اصل ۹۰ از شورای نگهبان نیز مشیر به امکان شکایت فرد است؛ بدین بیان که کمیسیون یادشده در خصوص صلاحیت خود درباره بررسی شکایات افراد در زمینه تخلف مسئولان در رژیم سابق اقدام به سؤال از شورای نگهبان می‌کند. این شورا نیز در تاریخ ۱۳۶۶/۱۰/۲۳ در نظر شماره ۹۹۰۶ خود اشعار می‌دارد: «چنانچه شکایت مربوط به تخلفات مسئولان فعلی در ارتباط با وظایف آنها بعد از انقلاب اسلامی است (مثل اینکه موظف به رسیدگی به شکایت شاکی باشد) قابل طرح و رسیدگی در کمیسیون اصل ۹۰ است». کاربرد واژه «شاکی» بر این نکته دلالت دارد که فرد نیز امکان شکایت انفرادی به کمیسیون اصل ۹۰ را خواهد داشت.

۳-۴-۲. ادله تفسیر مضیق

یکی از ادله سخنان آقای رشیدیان، یکی از اعضای مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، است که به عدم امکان شکایت فرد اشاره دارد. وی تصریح می‌کند: «توجه باید بفرمایید که این مسئله راجع به شکایت یک فرد از دولت نیست، بلکه شکایت مردم از نحوه کار قوای چندگانه است که احتمالاً از طرف مردم شکایتی مطرح می‌شود...» (اداره کل امور فرهنگی و روابط

عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴: ۹۲۸). ضمن اینکه نقل یادشده از دکتر ضیائی که می‌گوید: «در این مورد ... شکایت برای عموم است از عموم» نیز بر همین تفسیر دلالت دارد. اما با توجه به وجود استدلال‌های خلاف این تفسیر از سوی دیگر اعضای مجلس بررسی نهایی قانون اساسی و همچنین ادله سه‌گانه ذیل تفسیر موسع، لزوم انحصار شکایت از سوی عموم و سلب این امکان از فرد نه منطقی به نظر می‌رسد نه از قانون اساسی استنباط می‌شود. ناظر به بیان دکتر ضیائی هم می‌توان گفت که لزوماً اثبات شیء نفی ما عدا نمی‌کند و امکان شکایت عموم نافی امکان شکایت فرد نخواهد بود. در آمبودزمان و نهادهای مشابه در نظام حقوقی دیگر کشورها نیز حق شکایت فرد اغلب مورد پذیرش است. مثلاً در ایالات متحده آمریکا مردم می‌توانند به صورت فردی یا گروهی، با استفاده از «حق دادخواهی یا اعلام شکایت»، مسائل و مشکلات خویش را به همراه پیشنهادهای به نماینده یا نمایندگان خویش ارائه کنند (زارعی، ۱۳۸۴: ۵۳۳).

نتیجه

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۹۰، به منظور تأمین حداکثری عدالت و پیشگیری از تضییع حقوق شهروندان و نیل به اهدافی همچون دستیابی حداکثری مظلومان به حقوق خود، اطلاع نمایندگان از امور و اصلاح قوانین مجری، تضمین حسن اجرای قانون و شناسایی سازمان‌های دچار اختلال کارکردی، فراتر از نظام قضایی و شبه‌قضایی معمول، مجلس شورای اسلامی را به منزله مرجع بررسی دادخواهی و شکایات مردم مشخص کرده است. مجلس این صلاحیت را از طریق کمیسیون اصل ۹۰ اعمال می‌کند.

اما ذیل واژه «طرز کار» قوا و گستره شمول آن، که می‌تواند مورد شکایت واقع شود، سؤالاتی مطرح است. به نظر می‌رسد، با توجه به معنای واژه طرز کار و ظهور آن در روش و مستمر بودن اعمال قوا و همچنین خاصیت احترازی بودن اوصاف، شکایاتی که ناظر به امور فاقد وصف روش باشند مشمول رسیدگی اصل یادشده نخواهند بود. این گزاره با استدلال‌هایی همچون اصل تفسیر موسع به نفع ملت، تأمین حداکثری اهداف اصل ۹۰، و حتی رویه عملی کمیسیون نیز قابل خدشه نیست.

در اینکه آیا لزوماً شکایات مشمول این اصل باید از امور کلی باشد یا اینکه امور جزئی نیز قابل شکایت است، علاوه بر دلالت سه استدلال یادشده، با عنایت به متن اصل ۷۲ پیش‌نویس قانون اساسی، می‌توان عدم انحصار این شکایات در امور کلی را نتیجه گرفت. بنابراین هر امر جزئی که حاکی از وجود یک روش باشد قابل شکایت در کمیسیون اصل ۹۰ خواهد بود و ادله قابل طرح برای اثبات انحصار شکایت به امور کلی نیز قابل نقد است.

همچنین توجه به ادله سه‌گانه فوق، مرور صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، مضاف بر تأمل در دیگر اصول قانون اساسی و مواد قوانین عادی کاملاً مشیر به آن است که عمومیت نه در خواهان و نه در خواننده شکایت مشمول اصل ۹۰ قانون اساسی شرط نیست و شکایت فرد از فرد نیز در صلاحیت کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی خواهد بود؛ مشروط بر آنکه مشتکی‌عنه از زیرمجموعه یکی از قوای سه‌گانه باشد و موضوع شکایت بازگشت به روش و طرز کار قوای داشته باشد. ادله‌ای که جهت رد عمومیت در خواننده و خواهان شکایت طرح می‌شود نیز مردود است.

یادداشت‌ها

۱. آموذزمان نهادی است که معمولاً با پارلمان در ارتباط بوده و به شکایات شهروندان علیه سوء عملکرد و تخلفات دستگاه‌های دولتی و عمومی رسیدگی می‌کند و نتایج خود را به صورت توصیه‌نامه، گزارش و ... به نهادهای مشخص شده در قانون ارائه می‌دهد. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به: شفیع سردشت، جعفر و علی‌اکبر گرجی از ندریانی (۱۳۹۶)، گونه شناسی نهاد آموذزمان: رهیافتی بر بازشناسی آموذزمان اصیل، نشریه: پژوهش حقوق عمومی (پژوهش حقوق) (حقوق و سیاست)، شماره ۵۶، ص ۳۸-۵۹ و موسی‌زاده، ابراهیم (۱۳۹۱)، بررسی تطبیقی کمیسیون اصل نود و نهاد آموذزمان (نهاد بازرسی و نظارت)، فصلنامه علمی پژوهشی دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۵۸، ص ۱۵۸-۱۸۰ و بهینا، مسیح و امیرحسین صادقی (۱۳۹۹)، کمیسیون اصل نود یا سازمان بازرسی کل کشور؟ مقایسه با نهاد آموذزمان (نگاهی به ویژگی‌های حداقلی آموذزمان‌ها با تأکید بر آموذزمان پارلمانی انگلستان)، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۹۱، ص ۴۲۸-۴۲۱.

۲. ماده ۵: کمیسیون صرفاً به شکایاتی که از روش و طرز کار مجلس یا قوای مجریه و قضائیه باشد رسیدگی می‌نماید.

۳. قابل ملاحظه در لینک مقابل: <https://b2n.ir/x34993>

۴. همچنان‌که در انگلستان نیز، آموذزمان پارلمانی به‌عنوان دستیار پارلمان در نظارت، برای رسیدگی به تمامی امور خرد و کلان صالح است. (Wade, Op. Cit. p. 140) همچنین در استرالیا، در پی شکایت یک شهروند علیه شورای شهر Alice، شاکی خواهان رسیدگی به تصمیم شورا مبنی بر تغییر محل پارک اتومبیل بوده و نهاد آموذزمان به این موضوع رسیدگی کرده است. به نقل از: حسینی، سیدمحمد و سنا قاسمی (۱۳۹۷)، نظارت قضایی دیوان عدالت اداری و کمیسیون اصل نودم قانون اساسی بر مصوبات شورای انقلاب فرهنگی، فقه، حقوق و علوم جزا، شماره ۷، ص ۱۰.

۵. مرحوم آیت‌الله شاهرودی، رئیس وقت قوه قضائیه در پاسخ به نامه کمیسیون در تاریخ ۱۳۸۰/۷/۸ به قوه قضائیه در خصوص مشکل آقای عباس امیرانتظام در نامه شماره ۱/۸۰۸۶۲۶۶ مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۲۲ مرقوم می‌دارند: «باسمه تعالی - کمیسیون ۹۰ حق این قبیل دخالت‌ها را در محاکم قضایی ندارد.»

۶. این اشکال در سخنان اعضای مجلس بررسی نهایی قانون اساسی نیز مشاهده به چشم می‌خورد. مرحوم آیت‌الله موسوی اصفهانی می‌گوید: «در اصل ۱۴۱ که دادگاه اداری مطرح شده است اگر قرار است این دادگاه بر حسن

جریان امور نظارت داشته باشد و به او شکایت بشود، دیگر چه نیازی است که دوباره در این اصل مطلب را می‌آورید؟» شهید بهشتی در پاسخ به این پرسش می‌گوید: «توضیحش این است که مراجعه مردم به نمایندگانشان تا وقتی که یک نظام جدیدی پیش بیاید و این زمینه را ضعیف کند و یاز بین ببرد، حالا حالاها یک امر طبیعی خواهد بود، و اما خواسته‌ایم برای این امر طبیعی که خودبه‌خود پیش می‌آید، طرحی را در نظر گرفته باشیم.»

۷. چنین استدلالی بعضاً در ادوار مختلف قوا و بخصوص قوه قضائیه، مورد استناد مسئولین در جهت اثبات عدم صلاحیت کمیسیون اصل نود برای پیگیری شکایات موردی و جزئی بوده است. محمود شیرج، رئیس نهاد قوه قضائیه با توجه به نظر رئیس قوه قضائیه در رابطه با شکایاتی که علیه قوای سه‌گانه و از جمله قوه قضائیه به کمیسیون می‌رسد، در نامه شماره ۱/۸۰/۲۷۵۷ مورخ ۱۳۸۰/۲/۱۶ خطاب به کمیسیون اصل ۹۰ می‌نویسد: «همان‌طور که اطلاع دارید، موضوع شکایت قابل عرضه کتبی به مجلس شورای اسلامی را اصل نودم قانون اساسی به روشنی مشخص کرده است و آن نمی‌تواند خارج از «طرز کار» یکی از قوا باشد... هرگز نباید مدلول اصل به این روشنی؛ به کیفیتی تعبیر گردد که حسب آن کمیسیون موظف باشد به حقوق و دعاوی افراد یا صحت و سقم احکام قضایی، رسیدگی کند... چنانچه کسی احساس کند که در جریان رسیدگی به امری، حقی از وی تضییع یا آن‌گونه که تصور می‌کند به دلایلش توجه نشده است، قانون در مراحل رسیدگی به اعتراض و تجدیدنظر، این امکان را داده است تا چنانچه مدارکش کافی و صحت و صحت مطالبش احراز شود جبران گردد...»

۸. ماده واحده - کمیسیون اصل ۹۰ می‌تواند با قوای سه‌گانه جمهوری اسلامی و تمام وزارتخانه‌ها و ادارات و سازمانهای وابسته به آنها و بنیادها و نهادهای انقلابی و مؤسساتی که به نحوی از انحاء به یکی از قوای فوق‌الذکر مربوط می‌باشند، مستقیماً مکاتبه یا به آنها مراجعه نماید و برای رسیدگی به شکایاتی کتبی که از طرف مسئولین مربوطه بدون جواب مانده و یا جواب قانع‌کننده بدانها داده نشده و رفع مشکلات توضیح بخواهد و آنها مکلفند در اسرع وقت جواب کافی بدهند.

۹. قابل ملاحظه در لینک مقابل: <https://b2n.ir/x34993>

۱۰. در رویه عملی کمیسیون اصل نود شکایت از شخص رئیس‌جمهور نیز سابقه داشته است.

منابع و مأخذ

الف: کتب و مقالات

۱. آخوند خراسانی، محمدکاظم (۱۳۸۶)، کفایة‌الاصول، ج ۱، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲. اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی (۱۳۱۰)، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی، تهران: روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.
۳. امین، سیدحسن (۱۳۸۲)، تاریخ حقوق ایران، تهران: انتشارات دایرةالمعارف ایران.

۴. ایزدهی، سجاد (۱۳۸۶)، نظارت بر قدرت در فقه سیاسی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۵. ایمانی، عباس و امیررضا قطمیری (۱۳۸۸)، قانون اساسی در نظام حقوق ایران: پیشینه، آموزه‌ها، قوانین، تهران: انتشارات نامه هستی، نسل نوین.
۶. آذرنوش، آذرتاش (۱۳۹۸)، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، تهران: نشر نی.
۷. بادامچی، علی (۱۳۷۶)، کمیسیون اصل نود قانون اساسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه تهران.
۸. بهینا، مسیح و امیرحسین صادقی (۱۳۹۹)، کمیسیون اصل نود یا سازمان بازرسی کل کشور؟ مقایسه با نهاد آمبودزمان (نگاهی به ویژگی‌های حداقلی آمبودزمان‌ها با تأکید بر آمبودزمان پارلمانی انگلستان)، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۹۱.
۹. حسینی، سیدمحمد و سنا قاسمی (۱۳۹۷)، نظارت قضایی دیوان عدالت اداری و کمیسیون اصل نودم قانون اساسی بر مصوبات شورای انقلاب فرهنگی، فقه، حقوق و علوم جزا، شماره ۷.
۱۰. جوکار، فضل‌الله (۱۳۹۰)، بررسی تطبیقی کمیسیون اصل نود قانون اساسی ج.ا.ا. و آمبودزمان پارلمانی انگلستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
۱۱. دانش‌پژوه، مصطفی (۱۳۹۲)، مقدمه علم حقوق، قم: پژوهشگاه حوزه دانشگاه.
۱۲. راسخ، محمد (۱۳۹۶)، نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی، تهران: نشر دراک.
۱۳. زارعی، محمدحسین (۱۳۸۴)، مطالعه تطبیقی مجالس قانون‌گذاری، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۴. زارعی، محمدحسین (۱۳۸۹)، نقش کمیسیون‌های داخلی در نظارت پارلمانی، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۵. ساعدوکیل، امیر و پوریا عسکری (۱۳۹۸)، قانون اساسی در نظم حقوقی کنونی، تهران: انتشارات مجد.
۱۶. شفیعی سردشت، جعفر و علی‌اکبر گرجی ازندریانی (۱۳۹۶)، گونه‌شناسی نهاد آمبودزمان: رهیافتی بر بازشناسی آمبودزمان اصیل، نشریه: پژوهش حقوق عمومی (پژوهش حقوق) (حقوق و سیاست)، شماره ۵۶.

۱۷. شیرین کام، فریدون (۱۳۹۳)، کالبدشکافی کمیسیون عرایض در جامعه ایران؛ با نگاهی به کتاب اسناد قم در دوره پهلوی اول (مجلس ششم تا دوازدهم ملی)، اسناد بهارستان دوره جدید بهار و تابستان ۱۳۹۳ شماره ۴.
۱۸. طاهری، محسن (۱۳۹۵)، محشای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات جنگل - جاودانه.
۱۹. طباطبایی، منوچهر (۱۳۹۶)، حقوق اساسی، تهران: نشر میزان.
۲۰. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۴)، حقوق اساسی تطبیقی: حقوق اساسی کشورهای غربی و کشورهای اسلامی، تهران: نشر میزان.
۲۱. عمید زنجانی، عباسعلی و ابراهیم موسی زاده (۱۳۸۹)، نظارت بر اعمال حکومت و عدالت اداری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۲. عمید زنجانی، عباسعلی و ابراهیم موسی زاده (۱۳۹۰)، دانشنامه فقه سیاسی، چاپ اول، تهران: سازمان انتشارات دانشگاه تهران.
۲۳. عمید، حسن (۱۳۶۳)، فرهنگ عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۴. کدیور، جمیله (۱۳۸۳)، کمیسیون اصل نود: کارنامه اصل نود در اصل ششم، تهران: انتشارات امید ایرانیان.
۲۵. گرجی ازندریانی، علی اکبر (۱۳۹۴)، دادگاه‌های قانون اساسی، تهران: انتشارات جنگل - جاودانه.
۲۶. مدنی، جلال‌الدین (۱۳۸۰)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: پایدار.
۲۷. موسی زاده، ابراهیم (۱۳۸۶)، حقوق اداری، تهران: نشر میزان.
۲۸. موسی زاده، ابراهیم (۱۳۹۱)، بررسی تطبیقی کمیسیون اصل نود و نهاد آبودزمان (نهاد بازرسی و نظارت)، فصلنامه علمی پژوهشی دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۵۸، ص ۱۵۸-۱۸۰.
۲۹. نجفی، مرتضی و فرید محسنی (۱۳۸۸)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.

۳۰. هاشمی، سیدمحمد (۱۳۹۴)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، تهران: نشر میزان.

31. Wade, W. H. R. "The British Ombudsman: A Lawyer's View".
Administrative Law Review, 1972, 24 (2).

ب: قوانین و مقررات

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۲. قانون نحوه اجرای اصل نودم قانون اساسی مصوب ۱۳۶۵/۸/۲۵.
۳. ماده واحده قانون اجازه مکاتبه و تحقیق مستقیم به کمیسیون اصل نود با دستگاه‌ها جهت رسیدگی به شکایات مردم مصوب ۱۳۵۹/۱۱/۱ و تبصره الحاقی آن مصوب ۱۳۶۴/۱۰/۲.
۴. قانون آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸/۷/۱۸.

ج: سایتها

www.lib.ir

References:

A) Books and articles

1. Akhund Khorasani, Mohammad Kazem (2007), Kefaiya al-Asul, Vol. 1, Qom: Publications of Qom Seminary Society of Teachers.
2. The General Department of Cultural Affairs and Public Relations of the Islamic Council (1931), the detailed report of the deliberations of the Council of the Final Review of the Constitution, Tehran: Public Relations of the Islamic Council.
3. Amin, Seyed Hasan (2003), History of Iranian Law, Tehran: Iran Encyclopaedia Publications.
4. Izadehi, Sajjad (2007), Monitoring Power in Political Jurisprudence, Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture. (In Persian)
5. Imani, Abbas and Amirreza Qatmiri (2009), Constitution in Iran's Legal System: Background, Doctrines, Laws, Tehran: Nameh Hasti Publications, Nasl Novin. (In Persian)
6. Azarnoush, Azartash (2019), Contemporary Arabic-Persian Culture, Tehran: Nei Publishing.
7. Badamchi, Ali (1997), Commission on Article 90 of the Constitution, Master's Thesis of Public Law, University of Tehran. (In Persian)
8. Bahina, Masih and Amirhossein Sadeghi (2020), Commission of Article 90 or State Inspection Organization? Comparison of Two Ombudsman Institutions, with Emphasis on Parliamentary Ombudsman of England, Legal Research Quarterly.
9. Hosseini, Seyed Mohammad and Sana Ghasemi (2018), Judicial supervision of the Court of Administrative Justice and the 9th Article

Commission of the Constitution on the approvals of the Cultural Revolution Council, Jurisprudence, Law and Criminal Sciences.

10. Jokar, Fazlollah (2019), Comparative Study of the Commission on Article Ninety of the Constitution of the Republic of Iran and the British Parliamentary Ombudsman, Tehran University Master's Thesis. (In Persian)

11. Daneshpajoh, Mustafa (2013), Introduction to Law, Qom: University Research Center.

12. Rasakh, Mohammad (2017), Supervision and balance in the constitutional rights system, Tehran: Nash Drak.

13. Zarei, Mohammad Hossein (2005), Comparative Study of Legislative Assemblies, Tehran: Research Center of the Islamic Council.

14. Zarei, Mohammad Hossein (2010), The role of Internal Commissions in Parliamentary Supervision, Tehran: Research Center of the Islamic Council.

15. Saedokil, Amir and Pouria Askari (2019), The Constitution in the Current Legal Order, Tehran, Majd Publications.

16. Shafiei Sardasht, Jafar and Aliakbar Gurji Azandriani (2017), Typology of the Ombudsman Institution: An Approach to Recognizing the Genuine Ombudsman, Publication: Public Law Research (Law and Politics).

17. Shirinkam, Fereydoun (2014), Autopsy of the Complaints Commission in Iranian Society; Looking at the book of documents of Qom in the first Pahlavi period (6th to 12th national parliament), Baharestan documents of the new period of spring and summer 2013, number 4.

18. Taheri, Mohsen (2017), Outline of the Constitution of the Islamic Republic of Iran, Tehran: Jangal-Javadane Publications.

19. Tabatabai, Manouchehr (2017), Fundamental Rights, Tehran: Mizan Publishing.

20. Omid Zanjani, Abbas Ali (2005), Comparative Basic Laws: Basic Laws of Western and Islamic Countries, Tehran: Mizan Publishing.

21. Omid Zanjani, Abbas Ali and Ebrahim Mosizadeh (2010), Monitoring the Government and Administrative Justice, Tehran, Tehran University Press.

22. Omid Zanjani, Abbas Ali and Ebrahim Mouszadeh (2011), Political Jurisprudence Encyclopedia, first edition, Tehran: Tehran University Publishing Organization.

23. Omid, Hassan (1984), Farhang Omid, Tehran: Amirkabir Publications.

24. Kadivar, Jameela (2014), Asl Nod Commission: Record of Asl Nod in Asl 6, Tehran: Omid Iranian Publications.

25. Gurji Azandriani, Aliakbar (2015), Constitutional Courts, Tehran: Jangal-Javadane Publications.

26. Madani, Jalaluddin (2001), Fundamental Rights and Political Institutions of the Islamic Republic of Iran, Tehran: Padayar.

27. Mosizadeh, Ebrahim (2007), Administrative Law, Tehran: Mezan

Publishing.

28. Mousazadeh, Ebrahim (2013), Comparative study of the Ninety Principles Commission and the Abudzaman Institution (Inspection and Monitoring Institution), Scientific Research Quarterly of Judicial Law Perspectives, No. 58.

29. Najafi, Morteza and Farid Mohseni (2009), Fundamental Rights of the Islamic Republic of Iran, Tehran: Al-Hadi International Publications.

30. Hashemi, Seyyed Mohammad (20143), Fundamental Rights of the Islamic Republic of Iran, vol. 2, Tehran: Mizan Publishing.

31. Wade, W. H. R (1972)." The British Ombudsman: A Lawyer's View". Administrative Law Review, 24 (2).

B) Terms and Conditions

1. The Constitution of the Islamic Republic of Iran 1989.

2. Law on how to implement Article 90 of the Constitution approved on 1986.

3. Article 1 of the law allowing correspondence and direct investigation to the Ninth Commission with institutions to handle people's complaints approved on 1981 and its supplementary note approved on 1985.

4. The Law of Internal Regulations of the Islamic Council approved on 1999.

